

از قانون موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت بوسنی و هرزه گوین به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بر درآمد و دارائی

ماده ۳ - تعاریف کلی :

۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضاء نماید:

الف - اصطلاح "یک دولت متعهد" و "دولت متعهد دیگر" بنا به اقتضای متن به جمهوری اسلامی ایران یا جمهوری بوسنی و هرزه گوین اطلاق می‌شود. اصطلاح "جمهوری اسلامی ایران" به قلمرو تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق می‌شود. اصطلاح "بوسنی و هرزه گوین" به قلمرو تحت حاکمیت بوسنی و هرزه گوین اطلاق می‌شود.

ب - اصطلاح "مالیات" به کلیه مالیاتهای مشمول ماده (۲) این موافقتنامه اطلاق می‌شود.

پ - اصطلاح "شخص" شامل شخص حقیقی، شرکت یا سایر انواع اشخاص می‌باشد.

ت - اصطلاح "شرکت" اطلاق می‌شود به هر شخص حقوقی یا هر واحدی که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می‌گردد.

ث - اصطلاح "دفتر ثبت شده" به مفهوم دفتر مرکزی ثبت شده، طبق قوانین مربوط هر دولت متعهد می‌باشد.
ج - اصطلاحات "مؤسسه تجاری یک دولت متعهد" و "مؤسسه تجاری دولت متعهد دیگر" به ترتیب اطلاق می‌شود به مؤسسه تجاری که به وسیله شخص مقیم یک دولت متعهد و مؤسسه تجاری که به وسیله مقیم دولت متعهد دیگر اداره می‌شود.

چ - اصطلاح "حمل و نقل بین‌المللی" اطلاق می‌شود به هرگونه حمل توسط کشتی، قایق، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده‌ای و راه آهن که توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعهد انجام می‌شود، به استثنای مواردی که کشتی، قایق، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده‌ای و راه آهن صرفاً بین مکانهای واقع در دولت متعهد دیگر استفاده شود.

ح - اصطلاح "مقام صلاحیتدار" اطلاق می‌شود:

- در مورد جمهوری اسلامی ایران، وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او.

- در مورد بوسنی و هرزه گوین وزیر دارایی یا نماینده مجاز او.

خ - اصطلاح "تبعه" اطلاق می‌شود:

- هر شخص حقیقی که دارای تابعیت یک دولت متعهد باشد.

- هر شخص حقوقی، که وضعیت قانونی خود را به موجب قوانین جاری در یک دولت متعهد کسب نماید.

۲- اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، به جز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه‌ای دیگر باشد، آن معنایی را خواهد داشت که طبق قوانین آن دولت متعاقد راجع به مالیاتهای موضوع این موافقتنامه دارد.

ماده ۵ - مقر دایم:

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح "مقر دایم" اطلاق می‌شود به محل ثابت شغلی، که از طریق آن، مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد کلاً یا جزئاً در دولت متعاقد دیگر فعالیت شغلی دارد.

۲- اصطلاح "مقر دایم" بخصوص شامل موارد زیر است:

الف - محل اداره

ب - شعبه

پ - دفتر

ت - کارخانه

ث - کارگاه

ج - معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، بهره‌برداری، استخراج از منابع طبیعی.

۳- کارگاه ساختمانی، پروژه ساخت، نصب یا سوار نمودن ساختمان یا فعالیتهای مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن "مقر دایم" محسوب می‌شوند لیکن فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیتها بیش از (۲۴) ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.

۴- علی‌رغم مقررات قبلی این ماده، انجام فعالیتهای مشروحه ذیل توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر به عنوان فعالیت از طریق "مقر دایم" تلقی نخواهند شد:

الف - استفاده از تأسیسات، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه تجاری.

ب - نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه تجاری صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش.

پ - نگهداری موجودی اجناس یا کالای متعلق به مؤسسه تجاری صرفاً به منظور آماده‌سازی آنها توسط مؤسسه تجاری دیگر.

ت - نگهداری محل ثابت شغلی صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس، یا جمع‌آوری اطلاعات برای آن مؤسسه تجاری.

ث - نگهداری محل ثابت شغلی صرفاً به منظور انجام، تبلیغات، گردآوری اطلاعات، تحقیقات علمی، سایر فعالیتهایی که دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

ج - نگهداری محل ثابت شغلی صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیتهای مذکور در جزءهای (الف) تا (ث)، به شرط آنکه فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیب، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

۵ - علیرغم مقررات بندهای (۱) و (۲) در صورتی که شخصی آبه غیر از نماینده دارای وضعیت مستقل، که مشمول بند (۶) می‌باشد در یک دولت متعاهد از طرف یک مؤسسه تجاری فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرارداد به نام آن مؤسسه باشد و آن را به طور معمول در یک دولت متعاهد اعمال نماید، آن مؤسسه تجاری در مورد فعالیت‌هایی که آن شخص برایش انجام می‌دهد دارای مقر دایم که در آن دولت تلقی خواهد شد مگر آنکه فعالیت‌های این شخص محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که به موجب مقررات بند مذکور چنانچه از طریق محل ثابت شغلی نیز انجام گیرند، این محل ثابت شغلی را به مقر دایم تبدیل نخواهد کرد.

۶ - مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد صرفاً به سبب آنکه در دولت متعاهد دیگر از طریق حق العمل کار، دلال یا هر نماینده مستقل دیگر به انجام امور می‌پردازد، دارای مقر دایم در آن دولت متعاهد دیگر تلقی نخواهد شد مشروط بر آنکه عملیات این اشخاص در حدود معمول فعالیت خود آنها باشد. مع ذالک، هرگاه فعالیت‌های چنین نماینده‌ای به طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تجاری تخصیص یافته باشد، چنانچه معاملات بین این نماینده و آن مؤسسه تجاری در شرایط استقلال انجام نگیرد، او به عنوان نماینده دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷ - این واقعیت که شرکتی که مقیم یک دولت متعاهد است، شرکتی را که مقیم دولت متعاهد دیگر باشد یا در قلمرو آن فعالیت می‌کند، کنترل کند یا به وسیله آن کنترل شود (خواه از طریق مقر دایم و خواه به نحو دیگر) فی نفسه کافی نخواهد بود که یکی از آنها مقر دایم دیگری تلقی شود.

ماده ۸ - حمل و نقل بین‌المللی:

منافع حاصله توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد بابت استفاده از کشتیها، قایقها، هواپیما یا وسائط نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن، در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۱۳ - عواید سرمایه‌ای:

۱ - عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال اموال غیر منقول مذکور در ماده (۶) و واقع در دولت متعاهد دیگر می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲ - عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که قسمتی از اموال شغلی مقر دائمی را که مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر دارد، تشکیل دهد یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که مقیم یک دولت متعاهد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر در اختیار دارد، از جمله عواید ناشی از نقل و انتقال مقر دائم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا پایگاه ثابت می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۳ - عواید حاصل توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد از نقل و انتقال کشتیها، قایقها، هواپیما، یا وسائط نقلیه جاده‌ای یا راه‌آهن مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتیها، قایقها، هواپیما یا وسائط نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن، فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهند بود که دفتر ثبت شده آن مؤسسه در آن واقع است.

۴ - عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال سهام یا سایر حقوق شراکتی در شرکتی که دارائی آن به طور مستقیم یا غیرمستقیم عمده‌تاً از اموال غیرمنقول واقع در دولت متعاهد دیگر تشکیل شده است می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۵ - عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲)، (۳)، و (۴) فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است، خواهد بود.

ماده ۱۸ - حقوق بازنشستگی:

۱ - با رعایت مقررات بند (۱) ماده (۱۹)، حقوق بازنشستگی و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاهد به ازای خدمات گذشته، فقط ممول مالیات آن دولت می‌باشد. این مقررات برای مستمریهای سالانه مادام‌العمر پرداختی به مقیم یک دولت متعاهد به کار می‌رود.

۲ - حقوق بازنشستگی، مستمریهای سالانه مادام‌العمر و سایر پرداختهای ادواری یا موردی توسط یک دولت متعاهد بابت بیمه حوادث شخصی، می‌تواند فقط در آن دولت مشمول مالیات شود.

ماده ۲۲ - سرمایه:

۱- سرمایه متشکل از اموال غیرمنقول موضوع بند (۶) که متعلق به مقیم یک دولت متعاهد و واقع در دولت متعاهد دیگر می‌باشد، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- سرمایه متشکل از اموال منقولی که جزئی از اموال شغلی مقرر دایمی که مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر دارد می‌باشد یا اموال منقولی که متعلق به پایگاه ثابتی است که مقیم یک دولت متعاهد به منظور مبادرت به خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر در اختیار دارد، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر شود.

۳- سرمایه متشکل از کشتیها، قایقها، هواپیما، وسایط نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن، مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی و همچنین اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتیها، قایقها، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن، فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که دفتر ثبت شده مؤسسه در آن واقع است.

۴- سرمایه متشکل از سهام یا سایر حقوق شراکتی در شرکتی که دارائیهای آن عمدتاً از اموال غیرمنقول واقع در یک دولت متعاهد تشکیل شده است، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت متعاهد شود.

۵- کلیه موارد دیگر سرمایه مقیم یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۳۰ - فسخ:

این موافقتنامه تا زمانی که توسط یک دولت متعاهد فسخ شود لازم‌الاجرا خواهد بود. این موافقتنامه را امضاء نمودند. این موافقتنامه در دونسخه در تاریخ ششم مرداد ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و پنج برابر با بیست و هفتم ژوئن یکهزار و نهصد و نود و شش به زبانهای فارسی، بوسنیایی وانگلیسی تنظیم گردید که هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردار است. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران

از طرف دولت بوسنی و هرزه‌گوین

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقتنامه شامل مقدمه و سی ماده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و پنجم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۹،۲،۳۱ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

علی اکبر ناطق نوری - رئیس مجلس شورای اسلامی

تاریخ تصویب ۱۳۷۹،۲،۲۵

تاریخ تأیید شورای نگهبان ۱۳۷۹،۲،۳۱